

شرق روزنامه

نگاه

جرا ولیعهد دویی ۳/۵ میلیون فالوئر دارد

در میانه جنگ و افراط‌گرایی در منطقه، ولیعهد امارت‌نشین دویی تصویر دیگری را ارائه می‌دهد. او از طریق شبکه‌های مجازی و گذاشتن ویدئو و تصاویر در اینستاگرام دنیایی را به تصویر می‌کشد که خود در آن زندگی می‌کند.
جهانی که هر عربی آرزویش را دارد؛ اما دستش به آن نمی‌رسد. جایی او با پسر برادرش در سواحل دریا بازی می‌کند، جایی دیگر او با خانواده‌اش برای شکار عقاب می‌رود یا با ببرهای کوچک شوخی و بازی می‌کند.

«حمدان بن‌محمد بن‌راشد آل‌مکتوم» (۳۳ساله) هنوز مجرد است. گفته می‌شود تعداد فالوئرهایش در اینستاگرام به ۳.۵ میلیون نفر رسیده است؛ یعنی دو برابر طرفداران «ولپلام» و «کیت» و «هری» در خاندان سلطنتی بریتانیا. از بین سیاست‌مداران جهان این فقط «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری آمریکاست که از نظر تعداد فالوئرها از این شاهزاده اماراتی فراتر رفته است. حمدان در حساب کاربری‌اش در اینستاگرام زیر اسم FAZ3 که در واقع شکل انگلیسی‌شده، حروف عربی کلمه «فراع» به معنای کمک‌کننده است، نوشته: «هر تصویری برای خودش حکایتی دارد و هر حکایتی مربوط به یک دوره زمانی است که دوست داشتم شما هم در آنجا بودید». این مجموعه هزارو ۵۰۰ عکس را شامل می‌شود.

شیخ حمدان خودش را به عنوان نسل جدیدی از شاهزادگان خاندان سلطنتی عرب معرفی می‌کند که با دیگران متفاوت است. به‌این‌ترتیب او قصد دارد خود را در نقطهٔ مقابل شاهزادگان عرب و حاکمان دیکتاتور منطقه قرار دهد؛ زیرا رسوایی‌های شاهزادگان دیگر همه جا را فرا گرفته است؛ ازجمله کتک‌زدن خدمتکاران زن، شب‌نشینی‌های آن‌چنانی و عریضه‌کشی‌ها، استفاده از مواد مخدر و … . حمدان در صفحاتش بازی‌هایی را به نمایش می‌گذارد که با شُرع اسلام مخالفتی ندارد، وقت‌گذرانی با خانواده، اسب‌سواری و ورزش‌های آبی. امارت ابوظبی در سال ۲۰۰۹ با اعطای یک کمک ۱۰۰میلیارددلاری امارت‌نشین دویی را نجات داد و بدهی‌های جهانی‌اش را پرداخت کرد. امروزه وضع مالی دویی بهتر شده و حدود ۷.۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده است. دویی خود را حلقه وصل تجاری بین آسیا و اروپا می‌داند.

هدف این شاهزاده اماراتی از آنچه ارائه می‌دهد، این است که بیشتر او را باور کنند. «مارتین فوکس» مشاور سیاسی و کارشناس وسایل ارتباط جمعی، دراین‌باره می‌گوید او می‌خواهد به ملت بگوید که به آنها نزدیک است و در برج عاج زندگی نمی‌کند. این خودش یک نوع تبلیغات و بازاریابی است. او می‌خواهد یک پیام را با این مضمون به مخاطب منتقل کند که «من مدافع شما هستم».

اما ما چیزی غیر از آنچه این شاهزاده از خودش می‌گوید، نمی‌دانیم. براساس یکی از نوشته‌هایش، او در دوران کودکی در محیطی سالم بزرگ شده و معنای حقیقی زندگی را کشف کرده است. همچنین بعد از اتمام تحصیلات دبیرستان در دویی، به آکادمی سلطنتی– نظامی «سنت هرست» در بریتانیا رفته و در آنجا نظم و دقت در کارها را فرا گرفته است. به نوشته او، پدرش «محمد بن‌راشد آل‌مکتوم» برایش یک الگوی برتر است و دیدگاه‌های پدرش را مانند «ستارگان در راه» دنبال می‌کند. مادام که شیخ حمدان در کشورش باشد، حفظ این تصویر براق آسان خواهد بود؛ اما در بریتانیا برای مثال روزنامه‌های زرد تمام جزئیات کارهای روزمره خاندان حاکم را پیگیری می‌کنند. تا وقتی چنین آزادی‌هایی در امارات نباشد، ما نمی‌توانیم بفهمیم پشت پرده چه می‌گذرد. حتی روزنامه‌نگاران بریتانیایی، رفتن به زندان را بر تهیه گزارش از امارات ترجیح می‌دهند؛ زیرا نقد رهبران امارات – که حمدان هم یکی از آنهاست– جزء خطوط قرمز در بریتانیا به شمار می‌رود. سازمان خبرنگاران بدون‌مرز، دولت امارات را در بین ۱۸۰ کشور با معیار آزادی بیان در رتبه ۱۲۰ گذاشته است.

«راشده»، برادر بزرگ‌تر حمدان گویی پسر کمراه خانواده آل‌مکتوم بود. گفته می‌شود او جوانی بازیگوش بود و مواد مخدر استعمال می‌کرد. او در ۳۳سالگی فوت کرد و علت مرگش را بحران قلبی عنوان کردند.

اما شیخ حمدان جایی برای این حرف و حدیث‌ها باقی نمی‌گذارد. زمانی که روزنامه‌ها خبرهایی منفی از دویی می‌دهند، او همچنان تصاویری عالی ارائه می‌دهد. در یکی از یادداشت‌های مفته‌نامه «فوربس» که به امور ثروتمندان اختصاص دارد، این شاهزاده «یکی از ثروتمندترین جوانان جهان» معرفی شد. بعد از مرگ برادرش رسانه‌ها تصاویری را از شیخ حمدان منتشر کردند که داشت برای برادرش می‌گریست؛ سپس او قصیده‌ای را در رثای برادر روی اینترنت گذاشت که بیان‌کننده حزن عمیق او بود. بعدها گفته شد او خودش این شعر را سروده و تخلصش را هم «فراع» گذاشته است.

کلمه «فراع» در عربی به معنای شخصی است که به دیگران کمک می‌کند. شیخ حمدان به طور خاص محبوب زنان است، بسیاری از زنان– با اسم‌های مستعار– به زبان عربی، انگلیسی، فرانسه، ترکی و اسپانیایی زیر عکس‌های او عبارت‌های عاشقانه می‌نویسند؛ اما در عکس‌های خود او چهره‌ای از زن یا مجالس شراب‌خواری و عریضه‌کشی نیست.

گاه این ولیعهد دستش را به نشان «سلام» بلند می‌کند؛ به گونه‌ای که سه انگشت ابهام (شصت)، سبابه و میانی را هم‌دیگر جدا باشند. غربی‌ها از دو انگشت سبابه و انگشت میانی بود که حرف V نشانه پیروزی است؛ اما به نظر می‌رسد او با این شیوه سلام‌دادن سه هدف را دنبال می‌کند: پیروزی، رستگاری و عشق. شیخ محمد بن‌راشد آل‌مکتوم می‌گوید: «ما اعراب تاریخی غنی داریم؛ پس چرا باید از دیگران تبعیت کنیم؟»

منبع: فطره

یادداشت

آیا سندرز شکست خورد

«برنی سندرز»، رقیب درون حزبی «هیلاری کلینتون» نامزد نهایی حزب دموکرات آمریکا، در انتخابات ریاست‌جمهوری چگونه به اینجا رسید و چرا با وجود شکست در رقابت‌های درون حزبی، کماکان می‌تواند در جنگ نهایی دموکرات‌ها در برابر جمهوری‌خواهان اثربخش باشد؟ او در پنج‌ماه رقابت دراماتیکش با هیلاری کلینتون، به چه دستاوردهایی رسید که هنوز توجه رسانه‌ها را از دست نداده

و سخنرانی‌هایش به خبر فوری تبدیل می‌شوند؟ و سرانجام آیا «انقلاب سیاسی» که سندرز وعده داده بود، شکست خورده است یا اینکه تلاش‌های تبلیغاتی او در ادامه کارزار انتخاباتی دموکرات‌ها می‌تواند بخشی از این انقلاب باشد؟ پاسخ‌های این سؤالات نه‌فقط در شعارهای عدالت‌محور برنی سندرز، بلکه در عملکرد مالی کمپین او و ادبیات سیاسی منحصر‌به‌فردش قابل ردگیری‌اند. برنی سندرز با یادآوری میزان تأثیر پول بر سیاست در آمریکا، هم‌زمان با طرح خواسته‌های چپ‌گرایانه برای افزایش حمایت‌های مالی دولت از شهروندان، موفق شد پای گروه‌های تازه‌ای را به مبارزات انتخاباتی باز کند و این گروه هواداران هستند که عملاً موجب شده‌اند تا بودونیسود سندرز در ادامه این انتخابات اهمیت پیدا کند.

مسئله انتقاد از نقش پول در سیاست در آمریکا، موضوعی نیست که با برنی سندرز شروع شده باشد. طرح‌های ی‌ش‌بار کنگره و اصلاحات بسیاری که در دهه‌های اخیر یکی پس از دیگری تصویب شده‌اند، او البته محدودیت‌هایی که گاه این طرح‌ها برقرار کرده‌اند، نشان می‌دهد مسئله پول در مبارزات انتخاباتی، دغدغه‌ای جدی برای سیاست‌مداران آمریکایی است. در کنار این مسئله، استدلال نامزدهایی مانند هیلاری کلینتون هم در پی‌پیچه‌کردن اوضاع بی‌تأثیر نیست. کلینتون و گروهی از سیاست‌مداران رده‌لای حزب دموکرات می‌گویند تا روزی که قوانین بازی تغییر نکرده‌اند، باید به همین قواعد تن داد تا در رقابت پیروز شد. به‌همین دلیل هم حزب دموکرات برای کمک‌گرفتن از سرمایه‌داران ابایی ندارد و درعمل، کمپین‌آمیزی مانند هیلاری کلینتون به یکی از اصلی‌ترین کمپین‌ها تبدیل شده که از کمک‌های بدون محدودیت، به شکل غیرمستقیم بهره می‌برد. در مقابل برنی سندرز نه‌فقط از کمک‌های بدون محدودیت استفاده نکرد، بلکه موفق شد در جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای تبلیغات سیاسی، پول‌دارترین کمپین این انتخابات را به بیندازد.

فصل انتخاباتی سال ۲۰۱۶ برای انتخاب چهل و پنجمین رئیس‌جمهوری آمریکا برای دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات، شروعی کاملاً متفاوت داشت. در میان جمهوری‌خواهان بعد از یک رقابت شلوغ و پرخبر، یک چهره غیرحزبی نامزد شد که شاید به‌سختی بتوان او را یک سیاست‌مدار حرفه‌ای نامید. اما در حزب دموکرات، رقابت خیلی زود به یک دوگانه نفس‌گیر تبدیل شد که در آن هم کلینتون و هم سندرز، هر دو به موفقیت‌های درخور توجهی دست یافتند. در پایان این رقابت اگرچه هیلاری کلینتون عنوان نامزدی را به دست آورد، اما واقعیت این است که تمرکز بر پیروزی او به تصویر کاملی از این رقابت منجر نخواهد شد. همان‌طور که در سال ۲۰۰۸، پیروزی نهایی باراک اوباما در انتخابات، بدون حمایت همه‌جانبه کلینتون دشوارتر بود، در سال ۲۰۱۶ نیز، نامزد حزب یعنی هیلاری کلینتون بدون حمایت همه‌جانبه سندرز، راه ناهمواری را برای رسیدن به کاخ سفید در پیش خواهد داشت.



«ابوالعلاء ماضی»، رئیس حزب الوسط مصر:

نمی‌توان گفت دیگر انقلابی در مصر روی نمی‌دهد

مترجم: محمدعلی عسگری

دستگاه‌ها روزی حاضر می‌شوند بپذیرند مردم مصر تمرین دموکراسی کنند؟ دستگاه‌های امنیتی بر مبنای فساد و سلطه رشد کرده و پرورش یافته‌اند؛ بنابراین هرگز تسلیم یک روند دموکراتیک نخواهند شد؛ زیرا علیه منافع‌شان است و این جدالی مستمر خواهد بود. همین جدال است که آزادی‌های واقعی و انتخابات واقعی را نشان می‌دهد. این دستگاه‌ها در نبردهای گذشته‌شان فقط در شرایطی پیروز می‌شدن که مردم دچار شکاف شده بودند؛ بنابراین راه‌حل این است که یک توافق ملی شکل بگیرد و این دستگاه‌ها را هم خواهند‌خواه نسبت به آن متعهد گردانند. در این چند سال ما در برابر نظامی قرار داشتیم که هیچ‌گونه راه‌حل سیاسی را نمی‌پذیرفت. از سوی دیگر، جریان مقابل هم درگیر خون و خون‌ریزی، بازداشت‌ها، پاک‌سازی و کشتارهای خارج از قانون بودند. در چنین شرایطی، کسانی از طرفداران مشروعیت (اخوانی‌ها) می‌خواستند که کوتاه بیایند تا بحران حل شود؛ اما این درست نبود که یک طرف کوتاه بیاید. اینکه راه‌حل نیست؛ چون باعث تحریک بیشتر طرفداران خشونت می‌شود. مشکل در اسلام‌گراها یا دولت یا ارتش نیست. اگر این‌طوری به قضایا نگاه کنیم، اشتباه کرده‌ایم. باید با دیدی وسیع‌تر به موضوع نگاه کرد. توصیف بحران مصر به اختلاف بین اسلام‌گراها و نظام اشتباه است. مشکل در این یا آن حزب نیست؛ بلکه در کل میهن است و آزادی‌های مردم و منافع‌شان.



هیچ چیز ثابتی وجود ندارد، انقلاب ژانویه دلیلی بر این مدعاست؛ چراکه هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد. همه تصورشان این بود که ملت مصر برای همیشه تسلیم شده است. برای همین نمی‌توانیم بگوییم دیگر انقلابی در کار نخواهد بود. نمی‌توانیم بر عکس آن را هم بگوییم. انقلاب یک عمل غیرمنتظره است. این شرایط است که جامعه‌ای را به انفجار می‌کشاند.

نمونه تونس

اقدام راشد الغنوشی، رهبر جنبش النهضة تونس، بحث و جدل‌های زیادی در بین اسلام‌گرایان به راه انداخت. شما دراین‌باره چه می‌گویید؟ من دراین‌باره نوشته‌ام. ما به‌عنوان حزب الوسط در عمل همین فکر را پیاده کرده‌ایم. بادم می‌آید وقتی از اخوان المسلمین جدا شدیم، بحث اصلی ما درباره تفکیک وظایف ارشادی و سیاسی بود و اینکه گروه ما باید یک گروه ارشادی باشد یا یک حزب سیاسی. وقتی این اختلافات به اوج خودش رسید، ما به عنوان یک حزب سیاسی از آنها جدا شدیم. من سال ۱۹۹۷ مقاله‌ای با همین عنوان، «جداکردن کار ارشادی از کار سیاسی»، نوشتم. این مقاله در پاسخ به عصام العریان بود که به من اعتراض داشت. آن موقع من به یکی از حرف‌های الغنوشی استناد کرده بودم. زمانی که او یک پاننده سیاسی در لندن بود و وقتی برگشت، بر کار ارشادی و دستور کار جنبش خود قرار داد. حزب ما بازوی یک تشکل دیگر نیست؛ برای مثال حزب آزادی و عدالت، بازوی سیاسی اخوان‌المسلمین بود.

یکی از رهبران اخوان به نام جمال حشمت گفته است در حال فکرکردن درباره جداکردن کارهای دینی و حزبی هستند.

بهرتر است اطلاعات جدیدتری به شما بدهم. یکی از اعضای اخوان دراین‌باره نظرم را پرسید. من حرف تندی به او زدم و اشتباهات‌شان را شمردم. از آنها خواستم در کارهایشان بازنگری کنند. بعد یکی دیگر از آنها خبری به من داد و گفت ما این بازنگری را شروع کرده‌ایم. تقریباً آنها درباره مسئله کار دینی و سیاسی به یک اقااع رسیده‌اند. فقط باید منتظر بود و دید که چگونه اعلام می‌کنند. ما درباره اخوان انتقادهای زیادی داریم؛ ولی صبر می‌کنیم تا از زندان آزاد شوند و بعد بگوییم؛ برای مثال مغشول‌شدن اخوان به فعالیت‌های مذهبی موفق ارزش‌های دینی جامعه‌اثر گذاشت. تا اینجا، اخوان در فعالیت‌های مذهبی موفق و در کار سیاسی ناموفق بوده‌اند. هیچ راهی جز ایس وجود ندارد که اخوان یک تصمیم تاریخی بگیرد و دوباره به همان کار ارشادی و تربیتی برگردد.

ما به عنوان یک فرد آشنا به جریان اخوان، آینده این حرکت را چگونه می‌بینید؟ هم با توجه به شرایط سیاسی کنونی و هم با توجه به شکاف‌هایی که در درون این گروه افتاده است.

به نظر من اخوان دیگر هرگز مانند گذشته نخواهد بود. اگر رهبران کنونی

مهندس ابوالعلاء ماضی، رئیس حزب «الوسط» مصر، می‌گوید اوضاع کنونی به‌شدت پیچیده است و باید به یک راه‌حل سیاسی همه‌جانبه دست یافت تا این وضعیت به مر حله‌ای انفجاری منتهی نشود. او که سال گذشته همین موقع از زندان طره آزاد شد، مطالبی را درباره محمد مرسی، رئیس جمهور پیشین مصر، می‌گوید او یکی از نزدیکانش بوده است. ماضی همچنین درباره تجربه حزب «الوسط» می‌گوید در سال ۱۹۹۶ از اخوان‌المسلمین جدا شد و جز، نخستین احزایی بود که بعد از انقلاب سال ۲۰۱۱ مجوز فعالیت گرفت. به اعتقاد او، در این اوضاع اخوان‌المسلمین باید مثل جنبش النهضة تونس فعالیت‌های دینی خود را از فعالیت‌های سیاسی تفکیک کند تا بتواند در صحنه مصر حضور داشته باشد.

صحنه سیاسی کنونی مصر را چگونه می‌بینید؟

بسیار پیچیده و خطرناک. ما مشکلات سیاسی و اقتصادی زیادی داریم؛ به‌ویژه در زمینه آزادی بیان و حقوق بشر. همچنین یک‌سری مشکلات منطقه‌ای و بین‌المللی داریم که بعضی پرونده‌هایش سنگین شده است.

ما چه راه خروجی برای اینها وجود دارد؟

اصلی‌ترین راه سیاست است؛ حتی مشکلات اقتصادی ما راهکار سیاسی دارد. از آنجایی‌که کلمه «آشتی» دیگر نخنما شده، بهتر است به جای آن بگوییم: یک راه‌حل فراگیر سیاسی؛ یعنی همان آشتی ملی. چون وقتی می‌گوییم آشتی، بعضی فکر می‌کنند بین جریان اسلامی و دولت کنونی باید آشتی به وجود آید؛ اما این فروکاستن بحران است؛ چراکه خیلی از گروه‌های دیگر هم احساس می‌کنند از صحنه کنار زده شده‌اند. فرقی نمی‌کند؛ حتی سندیگاه‌ها همین احساس را دارند؛ بنابراین باید گفت‌وگویی فراگیر باشد. ما به جز این، راه دیگری برای برون‌رفت از وضعیت فعلی نداریم.

دوره گذشته افرادی خواستار انتخابات زودهنگام شدند؛ مثل عبدالمنعم ابو الفتوح یا برخی از شرکای نظام کنونی مثل مدوح حمزه. شما با این درخواست موافقت؟

این حق مردم است که چیزی را بخواهند؛ اما هر راه‌حلی باید کامل‌کننده وضعیت سیاسی کنونی باشد. مشکل ما صرفاً برگزاری یک انتخابات نیست؛ بلکه باید یک روند طبیعی شکل بگیرد که اکثر گروه‌های سیاسی درباره آن اتفاق نظر داشته باشند. در درجه اول باید توافق بر سر این باشد که ما مشکلی داریم و بعد به دنبال راه‌حل آن باشیم.

نظام کنونی با روزنامه‌نگاران برخورد کرد. پیش از آن هم با وکلا و پزشکان و قبل‌تر با نظامیان برخورد داشت. به نظر شما نظام کنونی به چه ستمی می‌رود؟ دو نوع برداشت از این اتفاقات وجود دارد؛ یکی اینکه نزاعی بین دستگاه‌های درونی نظام وجود دارد که بعضی سعی می‌کنند جلوی بعضی دیگر سنگ بیندازند؛ اما یک برداشت دیگر این است که نظام کنونی احساس بحران نمی‌کند و تصورش این است که همه چیز تحت کنترل است.

ما به نظر شما مصر در کدام یک از این دو وضعیت قرار دارد؟

متأسفانه به دلیل فقدان اطلاعاتِ مورداعتماد، بیشتر ارزیابی‌ها بر اساس حدس و گمان است. حوادثی وجود دارد که نمی‌شود آن را جز نزاع بین دستگاه‌ها تفسیر کرد. اما به نظر من، ما در یک بحران واقعی هستیم و اگر راه‌حلی برای آن پیدا نشود، ممکن است به یک انفجار منتهی شود. من نمی‌گویم ما خواستار یک نبرد بر مبنای صفر و صد هستیم به این معنا که یکی برنده و دیگری بازنده باشد. این روش درستی نیست و موفقیت‌آمیز نخواهد بود. باید هر یک از طرفین امتیازاتی بدهند و منافع ملی را نصب‌العین خود قرار دهند.

ما به نظر شما همچنان راه‌حل «انقلاب» پابرجاست یا اینکه مصری‌ها دیگر از انقلاب‌ها خسته شده‌اند؟

هیچ چیز ثابتی وجود ندارد. انقلاب ژانویه دلیلی بر این مدعاست؛ چراکه هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد. همه تصورشان این بود که ملت مصر برای همیشه تسلیم شده است. برای همین نمی‌توانیم بگوییم دیگر انقلابی در کار نخواهد بود. نمی‌توانیم بر عکس آن را هم بگوییم. انقلاب یک عمل غیرمنتظره است. این شرایط است که جامعه‌ای را به انفجار می‌کشاند.

لیاقت‌دموکراسی

اتفاقاتی که در پنج سال گذشته در مصر افتاد، بعضی را به یاد حرف عمر سلیمان، رئیس سازمان اطلاعات این کشور، می‌اندازد که گفته بود مصری‌ها لیاقت دموکراسی را ندارند. این حرف را به شکلی دیگر السیسی هم تکرار کرد.

شما چه می‌گویید؟

این حرف کاملاً غلطی است. در دنیا هیچ ملتی وجود ندارد که به‌یکباره از خواب بیدار شده و ببیند شایستگی دموکراسی پیدا کرده است. دموکراسی یک روند پیچیده و متراکم است که باید شروع شود. این چیزی بود که بعد از انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ انتظارش را داشتیم و می‌خواستیم برای یک تحول دموکراتیک طبیعی مقدمه‌سازی کنیم.

با پیروزی محمد مرسی، رئیس‌جمهور برکنار شده، اواز به اصطلاح یک «دولت عمیق» حرف می‌زد که اشاره به دستگاه‌های امنیتی داشت. آیا این